

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در این فرع است که اگر شاهد بگوید: برای سعی در شهادت که همان رفت و آمد و سکونت و این ها باشد هزینه هایی کرده ام و این هزینه ها را بخواهد که مطالبه کند، آیا استحقاق دارد یا خیر؟ کلام مرحوم شیخ اعظم را نقل کردیم که ایشان فرمودند: به این که راجع به هزینه ها استحقاق دارد الا این که راجع به اصل شهادت نمی تواند دستمزدی را مطالبه کند. این را با هم مرور کردیم.

مرحوم شهید ثانی (ره) (مسالك ج 13 ص 349) این جا اشکالی را مطرح فرموده اند: و قد یشکل بان السعی حينئذ مقدمه الواجب المطلق فيكون واجبا ايضا كاصله و مقدمه الواجب واجب می فرماید: ما وقتی گفتیم شهادت دادن شاهد واجب است، این که شاهد باید از محل خودش حرکت کند و به جایی برسد که برای آن شهادت بدهد مقدمه واجب است و مقدمه الواجب واجب. این که بخواهد بر اصل شهادت اجرت بگیرد، مصداق اخذ اجرت بر واجب است، حال شهید ثانی می گوید: اگر بخواهد بر مقدمات اجرت بگیرد گویا بر واجب اجرت گرفته در نتیجه هزینه های شاهد هم قابل برای مطالبه نیست.

مرحوم محقق نجفی جواب می دهند و می فرمایند: این که مقدمه واجب، واجب است اگر واجب مطلق باشد مثل نماز هر مقدمه ای داشته باشد مقدمات آن هم واجب است و فرد باید انجام بدهد ولو مستلزم هزینه باشد ولی اگر واجب، واجب مقید یا بدنی باشد در این جا مقدمات واجب بر عهده شخص نیست یعنی گویا گفته اند واجب است شهادت بدهی مادامی که هزینه ای بر تو نداشته باشد بنابراین در نتیجه در بحث شهادت بذل مال به عنوان مقدمه واجب نیست.

ما علاوه بر جواب محقق نجفی دو پاسخ دیگر نیز می دهیم:

1- گاهی واجب واجبی است که اجرت گرفتن بر اصل آن حرام نیست (مثل مخارج تجهیز میت) فضلا از گرفتن اجرت بر مقدماتش مثل واجبات توصلیه و در ما نحن فیه هم نوع واجب به گونه ای است که بعید است گرفتن اجرت بر اصل شهادت حرام باشد فضلا از سعی برای شهادت.

2- در بحث مقدمه واجب گفته می شود گاهی وجوب در مقدمه واجب به وجوب شرعی ثابت است و گاهی به وجوب عقلی؛ این دو وادی با هم متفاوت اند مقدمه واجب را حتی اگر غیری باشد در مباحث اصول گفته شده که به وجوب شرعی ثابت نیست آن وقت نمی توان گفت در چنین واجبی که مقدمه اش شرعا واجب نیست بگوییم تمام احکامی که برای ذی المقدمه ثابت است برای مقدمه هم عقلا ثابت است.

در نتیجه وقتی که ما از ادله باب شهادت استظهار کنیم که اداء شهادت وجوب بدنی دارد، هزینه کردن برای آن که وجوب مالی است مطرح نیست بنابراین مخارج شاهد برعهده خودش نیست.

نسبت به قوانین موضوعه این اشکال مطرح است که اگر بگوییم طبق قانون شاهد اول از مال خود هزینه کند و سپس در دادگاه بیاید و بعد از شهادت هزینه ها را مطالبه کند ولی در شریعت می گوید شاهد می تواند اول هزینه را بگیرد و بعد به قصد شهادت دادن حرکت کند.

تا این جا صورت اول تا پنجم مسأله را عرض کردیم.

صورت ششم و هفتم این بود که شخص برای شهادت یا اظهار اطلاع بگوید با آمدن و شهادت دادن، شغل و کاری که من باید انجام می دادم یا می توانستم انجام بدهم از دستم رفته است تکلیف چه می شود؟ مثلا فرضا می گوید من کارگر بودم که اگر برای شهادت نمی آمدم شب فلان مقدار دستمزد می گرفتم آیا می تواند خسارت ترک کار را بگیرد؟

فقها ما این مسأله را براساس چند مبنا بحث کرده اند:

1- ضمان ید 2- اتلاف 3- اضرار

فی الجمله نسبت به بخش اول یعنی آیا این وضعیت مشمول موضوع ضمان ید می شود یا خیر؟ اگر کارگری که صبح به صبح سرکار می رفته و فلان مبلغ مزد می گرفته را حبس کنید، موجب ضمان هست یا خیر؟ اگر موجب ضمان است و بابش غصب از عمل نبود بلکه منع از عمل بود به هرشکلی را شامل می شود یا خیر؟

فقها چهار صورت مطرح کرده اند:

1- آیا عمل حر مشمول عنوان عرفی مالیت می شود یا خیر؟ که برخی علی الاطلاق گفته اند مال نیست. و برخی گفته اند بین عمل عبد و عمل حر باید تفکیک کنیم که عمل عبد تابع ضوابط است چون «العبد و ما یعمله کان لمولاه» ولی دعوا سر عمل حر است که مال است یا خیر؟

2- تفصیل دیگر این است که بر عمل حر به نحو مطلق صدق مالیت نمی شود بلکه عمل حر اگر مورد استیجار واقع شده باشد مال است؛ مثلاً، من به خیاط پول داده ام که تا غروب لباس مرا بدوزد و تحویل بدهد، حال اگر فردی در آن روز خیاط را حبس کند مال را تلف کرده چون عمل خیاط مورد اجاره واقع شده بود.

3- در همین فرض اجاره هم تفصیل داده اند که اگر مطلق باشد موجب ضمان نیست بلکه اگر خاص و مقید باشد موجب ضمان است یعنی اگر خیاط به نحو مطلق اجیر شده تا یک دست کت و شلوار بدوزد ولی زمان کار مشخص نیست حال اگر امروز او را حبس کنند موجب ضمان نیست.

4- قول دیگر این است که باید تفصیل بدهیم بین عمل حر کسوب با عمل حر کسول، اگر کسی است که نوعاً سرکار است و بیکار نمی ماند حر کسوب است اگر بازداشت شود ضامن است چون وقت حر کسوب از جمله اموال حساب می شود ولی اگر حر کسول باشد عملش مال حساب نمی آید. همه این اقوال به این برمی گردد که آیا عمل حر مالیت عرفی دارد یا خیر.

مرحوم محقق حلی در شرایع (ج 3 ص 185) فرموده است: "الحر لا یضمن بالغصب ولو كان صغيراً" چون صغیر مولی علیه است و از این جهت شباهتی به عبد دارد ولی بازهم ضمانی نیست.

مرحوم محقق نجفی (جواهر ج 27 ص 36) در شرح این عبارت می فرماید: "..... لا عینا و لا منفعهً بلاخلاف..... ضرورة عدم كونه مالاً" پس دعوا در این جهت است که آیا صدق مالیت می کند یا خیر؟

مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری (المهذب ج 21 ص 306) تعریضی به بیان صاحب جواهر دارد که "علی المشهور" پس مسأله اختلافی است، یعنی این که منافع انسان حر مال است یا خیر؟ مشهور گفته اند مال نیست و کلام برخی دال بر مالیت است.

بقیه تشقیق شقوقی هم که می شود ناظر به همین است که چه موقع عمل شخص عرفاً مال است و چه موقع مال نیست.

قول اول در این فرع آن است که ضمان منافع حرّ برای جایی است که حر اجیر واقع شده باشد و در غیر آن این طور نیست. مرحوم محقق نائینی می فرماید: (منیه الطالب ج 1 ص 40) "اذا حبس العبد فانه یضمن منفعته" که بازگشت این کلام به منافع مستوفاه و غیر مستوفاه است "دون ما اذا حبس الحر فانه لا یضمن الا اذا كان اجیراً" و قریب این عبارت را مرحوم سید در عروه (ج 2 ص 610) دارد "لان منافعه بعد العقد علیها صارت مالاً للمستحق یعنی در حقیقت این کار این انسان بعد اجاره یک مالی است که متعلق حق مستأجر قرار گرفته است.

باز همین مضمون را محقق کرکی در جامع مقاصد (ج 7 ص 158) دارد که "انّ عمل الاجیر الخاص عند غیر المستأجر فی مده التي عُينت للعمل كلها فالاقرب تخیر المستأجر بین الفسخ و اعلم....." مرحوم آقای خویی در منهاج می فرماید «...الا اذا كان اجيرا خاصا لغيره فيضمن لمن استأجره.»

و الحمد لله رب العالمين

<http://feqhvaqaza.com>